

انتظارات امام حسن عسکری (علیه السلام) از شیعیان

<"xml encoding="UTF-8?">



مقدمه

در باغ خدا که ولایت ثمرش	زهراست درخت و باغبان شد پدرش
نازم به امام عسکری آنکه به حُسن	مهدی پدر جهانیان شد پسرش

امام حسن عسکری (علیه السلام) یازدهمین امام شیعیان، در روز جمعه هشتم ربیع الثانی، سال 232 ه.ق (1) در مدینه منوره دیده به جهان گشود، (2) و عالم را با نور جمال خویش روشن نمود. پدر بزرگوار آن حضرت، امام هادی (علیه السلام) و مادرش بانویی پارسا و شایسته است که از او به نامهای «حُدیثه»، «سلیل» و «سوسن» یاد شده است. این بانوی گرامی از زنان نیکوکار و دارای بینش اسلامی بوده در فضیلت او همین بس است که پس از شهادت امام حسن عسکری (علیه السلام) پناهگاه و نقطه اتکای شیعیان در آن دوره بحرانی و پراضطراب به شمار میرفت. (3)

مدت امامت امام حسن عسکری (علیه السلام) شش سال، و با سه نفر از خلفای عباسی که هر یک از دیگری ستمگرتَر بودند، معاصر بود:

المعتز بالله - المهتدی بالله - و المعتمد بالله

امامت حضرت از سال 254 شروع شد و در 260 ه.ق با شهادت آن حضرت پایان یافت. به مناسبت سالروز ولادت آن امام همام، در این مجال نگاهی داریم به برخی «انتظارات حضرت» از شیعیان خویش، امید که ره توشته‌ای باشد برای همه آنهایی که بر خط امامت و ولایت سیر میکنند.

شیعه از دیدگاه امام حسن عسکری (علیه السلام)

از دیدگاه امام یازدهم هر کس که بنام شیعه خوانده شود ولی اوصاف و ویژگیهای یک شیعه حقیقی و واقعی را دارا نباشد، شیعه شمرده نمیشود. شیعه واقعی کسانی هستند که همچون رهبران دینی خویش در نهضت خدمت رسانی به مردم و برادران دینی خویش فعال و کوشا باشند و به دستورات و نواهی الهی پای بند باشند چنان که حضرت عسکری در کلام زیبا و دلنشین خود درباره تعریف شیعه میفرماید:

«شیعة عَلَيِّ هُمُ الَّذِينَ يُؤْتِرُونَ إِخْوَانَهُمْ عَلَى أَنْفُسِهِمْ وَ لَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ وَ هُمُ الَّذِينَ لَا يَرَاهُمُ اللَّهُ حَيْثُ نَهَاهُمْ وَ لَا يَفْقَدُهُمْ حَيْثُ أَمَرَهُمْ، وَ شِيعَةُ عَلَيٍّ هُمُ الَّذِينَ يَقْتَدُونَ بِعَلِيٍّ فِي أَكْرَامِ إِخْوَانِهِمُ الْمُؤْمِنِينَ (4)؛ یعنی پیروان و شیعیان علی (علیه السلام) کسانی هستند که برادران (دینی) خود را بر خویش مقدم میدارند گرچه خودشان نیازمند باشند و شیعیان علی (علیه السلام) کسانی هستند که از آنچه خداوند نهی کرده دوری میکنند و به آنچه امر نموده عمل میکنند و آنان در تکریم و احترام برادران مؤمن خود به علی (علیه السلام) اقتدا مینمایند.» و در جای دیگر درباره نشانه‌های شیعیان فرمودند:

«علامات المؤمنین خمسٌ صلاة الاحدى و الخمسين و زيارة الاربعين و التختم فى اليمين و تعفير الجبين و الجهر بسم الله الرحمن الرحيم (5)،

نشانه‌های مؤمنان (شیعیان) پنج چیز است: خواندن پنجاه و یک رکعت نماز در هر روز (17 رکعت واجب و 34 رکعت نافله) زیارت اربعین امام حسین (علیه السلام) داشتن انگشتر در دست راست، و ساییدن پیشانی به خاک و بلند خواندن بسم الله الرحمن الرحيم (در نمازها).

انتظارات امام عسکری (علیه السلام) از شیعیان

انتظارات و توقّعات امام حسن عسکری (علیه السلام) به عنوان آخرین امامی که در جامعه حضور عینی داشته، و بعد از او غیبت صغری و کبرا فرزندش مهدی موعود (علیه السلام) آغاز میگردد و برای مدّت مدیدی مردم و جامعه از درک حضور او محروم خواهند بود قابل اهمّیت و دقّت است، و میتواند رهنمودهای گرانبها و ارزشمندی باشد برای دوران غربت تشیّع و دورانی که غبار غم هجرت مولا و محبوبشان بر دلها و پیشانی آنها سایه افکنده است، اینک به گوشه‌هایی از انتظارات حضرتش میپردازیم.

1. اندیشه و تفکر

اساس تمام پیشرفتهای مادّی و معنوی بشر در طول تاریخ، اندیشه و تفکر از یک طرف، و سعی و تلاش و عمل از طرف دیگر بوده است. اگر بشر قرن بیستم و بیست و یکم از نظر صنعتی و تکنولوژی به موفقیت‌های چشمگیری

دست یافته، بر اثر اندیشه و تلاش بوده است؛ چنان که پیشرفتهای معنوی جوامع و افراد نیز بر اثر بهره‌وری از توان عقل و تفکر و قدرت عمل و تلاش بوده است. پیامبران، امامان و بندگان صالح الهی همگی اهل فکر و تعقل بوده‌اند، در منزلت ابوذر امام صادق (علیه السلام) فرمودند:

«بیش‌ترین عبادت اباذر که رحمت خدا بر او باد، اندیشه و عبرت اندوزی بود» (6)

قرآن این کتاب الهی و آسمانی برای اندیشه و تفکر، ارزش والا و حیاتی قائل است و زیباترین و رساترین سخنان را درباره ارزش دانش و تعقل، و دقت و تفقه بیان نموده است در قرآن بیش از هزار بار کلمه «علم» و مشتقات آن که نشانه باروری اندیشه است تکرار شده و افزون بر 17 آیه به طور صریح انسان را دعوت به تفکر نموده، بیش از 10 آیه با کلمه «انظروا؛ دقت کنید» شروع شده است. بیش از پنجاه مورد کلمه عقل و مشتقات آن به کار رفته

است و در چهار آیه نیز قاطعانه به تدبّر در قرآن امر شده است. (7)

و همچنین از کلمه فقه و تفقه و امثال آن بهره جسته است. (8)

با توجه به این اهمّیت اندیشه و تفکّر است که امام حسن عسکری (علیه السلام) از شیعیان خویش انتظار دارد، که اهل اندیشه و تفکر باشند. لذا فرمودند:

«عَلَيْكُمْ بِالْفِكْرِ فَإِنَّهُ حَيَاةٌ قَلْبُ الْبَصِيرِ وَ مَفَاتِيحُ أَبْوَابِ الْحِكْمَةِ؛ بر شما باد به اندیشیدن! پس به حقیقت، تفکر

موجب حیات و زندگی دل آگاه و کلیدهای دربهای حکمت است. (9)

انسانهایی که با عقل اندیشه نکنند و با چشم جانیشان در دیدن حقایق دقت بخرج ندهند در روز قیامت نابینا محشور میشوند.

امام حسن عسکری (علیه السلام) این حقیقت را با گوشزد کردن آیه‌ای از قرآن برای اسحاق بن اسماعیل نیشابوری در طی نامه‌ای چنین بیان میکند:

«ای اسحاق! خداوند بر تو و امثال تو از آن‌هایی که مورد رحمت الهی قرار گرفته و همچون تو دارای بصیرت خدا دادی میباشند، نعمت خویش را تمام کرده است...»

پس به یقین بدان ای اسحاق که هرکس از دنیا نابینا بیرون رود، در آخرت هم نابینا و گمراه خواهد بود. ای اسحاق! چشمها نابینا نمی شوند، بلکه دل‌هایی که در سینه ها هستند نابینا میشوند. (بر اثر اندیشه نکردن) و این سخن خداوند در کتاب متقن خویش است آنجا که از زبان انسان ستم پیشه بیان میکند (10):

«پروردگارا چرا مرا نابینا محشور نمودی با این که دارای چشم بودیم؟ (خداوند در جواب) میفرماید: همان گونه که آیات ما برای تو آمد و تو آنها را فراموش کردی، امروز نیز تو فراموش خواهی شد. (11)»

گاه امام حسن عسکری با گوشزد این خطر که عده‌ای در جامعه عبادت را منحصر در انجام نماز و خواندن نمازهای مستحبی و گرفتن روزه‌های واجب و مستحب میدانند، بدون آنکه در رمز و راز آن اندیشه کنند و یا در زمان و اوضاع آن تعقل نمایند، جایگاه ویژه اندیشه و تفکر را این‌گونه بیان میفرماید:

«لَيْسَتِ الْعِبَادَةُ كَثْرَةَ الصَّيَامِ وَالصَّلَاةِ وَ إِنَّمَا الْعِبَادَةُ كَثْرَةُ التَّفَكُّرِ فِي أَمْرِ اللَّهِ (12)؛ عبادت به بسیاری نماز و روزه نیست، همانا عبادت تفکر بسیار در امر خداوند است.»

2. ایمان گرایی و سود رسانی:

فکر و اندیشه، و یا تأمل و تدبّر آن‌گاه ارزش حقیقی و عینی خویش را نشان می‌دهد که منجر به ایمان و عمل و تلاش شود وگرنه تفکری که بدنبالش ایمان و عمل نباشد مطلوب و کارساز نیست. به همین جهت آن حضرت تأکید فرمود که شیعیان به دو خصلت توجّه داشته باشند «**خِصْلَتَانِ لَيْسَ فَوْقَهُمَا شَيْءٌ الْإِيمَانُ بِاللَّهِ، وَ نَفْعُ الْإِخْوَانِ (13)**»؛ دو خصلت است که برتر از آن چیزی نیست، ایمان به خداوند و فایده رساندن به برادران (دینی).

3. به یاد خدا و قیامت بودن

ایمان برگرفته از اندیشه بدنبال خود عمل و یاد خدا و همچنین انجام عبادت را در پی دارد، به همین جهت یکی دیگر از انتظارات حضرت عسکری (علیه السلام) از شیعیان این است که خداوند و قیامت و رسول را فراموش نکنند. چنان که فرمودند: «**أَكْثَرُوا ذِكْرَ اللَّهِ وَ ذِكْرَ الْمَوْتِ وَ تِلَاوَةَ الْقُرْآنِ وَ الصَّلَاةَ عَلَى النَّبِيِّ**؛ زیاد به یاد خدا و مرگ باشید و همواره قرآن بخوانید و بر پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلّم) (و آل او) درود بفرستید.» (14) و هوشمندترین و زیرکترین افراد کسی است که به یاد بعد از مرگ باشد و وجدان خویش را برای رسیدگی به اعمال قاضی قرار دهد. (15)

4. حساب رسی اعمال و پاسخگویی وجدان

انتظار دیگری که امام حسن (علیه السلام) از شیعیان دارد، رسیدگی به اعمال و داشتن محاسبه در هر شبانه روز، و پاسخگویی وجدان اخلاقی است.

لازم است انسان در ابتدای هر روز نسبت به اعمال نیک و دوری از گناه با خود «مشارطه» و قرار دادی داشته باشد، و در طول روز مواظبت و «مراقبه» داشته باشد. و در پایان روز «محاسبه» و حسابرسی، و پاسخگویی به وجدان درونی خویش.

آنهایی هم که مسئولیت‌های اجتماعی دارند، در مقابل مردم و جامعه مسئولند که باید پاسخگو باشند، علاوه بر این در مقابل خداوند متعال، پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلّم) و وجدان خویش نیز باید پاسخگو باشند. ممکن است عده‌ای زرنگی را در آن بدانند که از حسابرسی، و پاسخگویی فرار کنند و به نوعی طفره روند، ولی باید بدانند که هرگز چنین رفتاری هوشمندی و زرنگی بحساب نمی‌آید، در همین زمینه است که حضرت عسکری (علیه السلام) خردمندانه می‌فرماید:

«**أَكْبَيْسُ الْكَيْسِينَ مَنْ حَاسِبَ نَفْسَهُ وَ عَمِلَ لِمَا بَعْدَ الْمَوْتِ (16)**»؛ زیرک ترین زیرکان (و هوشمندترین افراد) کسی است که به حساب نفس خویش پردازد (و پاسخگوی خدا و وجدان خویش باشد) و برای پس از مرگ خویش تلاش نماید».

5. تقوا و پاکی راستی و امانتداری

از مهم‌ترین و بارزترین ویژگی‌های مورد انتظار برای شیعیان و مؤمنان دو صفت نفسانی تقوا و ورع است که انسان را در مقابل انجام گناه و دوری از محرمات حفظ و تقویت میکند، و در کنار آن دو، دو صفت والای امانتداری و راستگویی است که آنچنان اهمیت دارد که اساس نظم و انسجام و آرامش هر جامعه‌ای را میتوان با تقویت و ترویج این اوصاف در میان افراد جامعه پیریزی نمود و مشکلات را حل و سعادت جوامع را تضمین نمود. امام حسن عسکری (علیه السلام) با تأکید بر اوصاف فوق و برخی اوصاف دیگر خطاب به شیعیان خود میفرماید:

«أَوْصِيكُمْ بِتَقْوَى اللَّهِ وَ الْوَرَعِ فِي دِينِكُمْ وَالْإِجْتِهَادِ لِلَّهِ وَ صِدْقِ الْحَدِيثِ وَ آدَاءِ الْأَمَانَةِ إِلَى مَنْ إِيْتَمَنَكُم مِّنْ بَرِّ أَوْفَاجٍ وَ طَوْلِ السُّجُودِ وَ حُسْنِ الْجَوَارِ فِيْهِذَا جَاءَ مُحَمَّدٌ (ص) صَلَّوْا فِي عَشَائِرِهِمْ وَ أَشْهَدُوا جَنَائِزَهُمْ وَ عُودُوا مَرْضَاهُمْ، وَ آدُوا حُقُوقَهُمْ، فَإِنَّ الرَّجُلَ مِنْكُمْ إِذَا وَرَعَ فِي دِينِهِ وَ صَدَقَ فِي حَدِيثِهِ وَ آدَى الْأَمَانَةَ وَ حَسَنَ خُلُقَهُ مَعَ النَّاسِ قِيلَ هَذَا شِيعِي فَيَسْرَتِي ذَلِكَ؛ (17)

شما را سفارش میکنم به تقوای الهی و ورع در دین خود و کوشش در راه خدا، راستگویی و ردّ امانت به هرکه به شما امانت سپرد (خوب یا بد) و طولانی بودن سجده و خوب همسایه داری؛ چرا که محمد (ص) برای این‌ها آمده است. در گروه‌های آنها (مخالفان) نماز بخوانید (یعنی در نماز جماعت شرکت کنید) و در تشییع جنازه آنها حضور داشته باشید و بیمارانشان را عیادت، و حقوق آنان را ادا نمایید، زیرا اگر مردی (و فردی) از شما در دین خود ورع داشت و در سخنش راست گفت و امانت را رد کرد و اخلاقی با مردم خوب بود گفته میشود این شیعه است. پس من از این (گفته) شادمان میشوم.»

و در جای دیگر فرمودند: «الْمُؤْمِنُ بَرَكَةً عَلَى الْمُؤْمِنِ وَ حُجَّةٌ عَلَى الْكَافِرِ (18)؛ مؤمن (و شیعه) برکتی برای مؤمن و (اتمام) حجّتی برای کافر است.»

6. جزء بهترین‌ها باشید نه بدترین‌ها

آن امام همام گاه به بیان افراد نمونه و برتر و همین‌طور افراد بدتر غیر مستقیم انتظار خویش را از شیعیان ابراز میدارد که جزء بهترین‌ها باشید، و آنان را این‌گونه معرفی مینماید:

«أَوْعِ النَّاسَ مِنْ وَقْفِ عِنْدِ الشَّبْهَةِ، اَعْبِدِ النَّاسَ مِنْ أَقَامِ عَلَى الْفَرَائِضِ، اَزْهَدْ النَّاسَ مِنْ تَرَكَ الْحَرَامَ، اَشَدَّ النَّاسَ اجْتِهَاداً مِنْ تَرَكَ الذُّنُوبِ (19)؛

پارساترین مردم کسی است که در شبهات توقف کند، عابدترین مردم کسی است که واجبات را به‌جا آورد، زاهدترین مردم کسی است که از حرام دوری کند و کوشاترین مردم کسی است که گناهان را ترک کند.»

در مقابل بدترین‌ها را نیز معرفی میکند تاشیعیان آگاهانه یا ناآگاهانه جزء آن افراد قرار نگیرند، در حدیثی آن حضرت فرمودند:

«بئْسَ الْعَبْدُ، عَبْدٌ يَكُونُ ذَا وَجْهَيْنِ وَذَالِلسَانَيْنِ يَطْرَى أَخَاهُ شَاهِدًا وَ يَأْكُلُهُ غَائِبًا، إِنْ أُعْطِيَ حَسَدَهُ وَ إِنْ ابْتُلِيَ خَائَهُ» (20)؛

بدترین بندگان بنده‌ای است که دارای دو چهره و دو زبان باشد، در حضور برادرش او را میستاید و پشت سر، او را میخورد (و غیبتش را گوید). اگر به او چیزی عطا شود، حسد میورزد و اگر گرفتار گردد، به او خیانت میکند.»

7. عزّت نفس و دوری از ذلّت

انسان به عزّت نفس و تکریم شخصیت بیش از همه چیز نیازمند است انسان میتواند رنج گرسنگی و تشنگی را تحمل کند و با فقر و نداری بسازد اما تحقیر شخصیت و آزرده‌گی روح و روان و پایمال شدن عزّت انسان بسادگی قابل رفع و جبران نیست، ممکن است تا پایان عمر انسان را آزار دهد، خداوند عزیز انسان را عزیز آفریده و هرگز به او اجازه تحقیر دیگران و یا شخصیت خودش را نداده.

امام صادق (علیه السلام) فرمودند:

«خداوند تمام امور مؤمن را به خود او واگذار نموده، ولی به او واگذار نکرده است (و اجازه نداده) که ذلیل باشد آیا سخن خدا را نشنیده‌ای که میفرماید:

«عزّت از آن خدا و رسول او و مؤمنان است ولی منافقان نمیدانند، پس مؤمن همیشه عزیز است و ذلیل نمی باشد» (21)

به همین جهت یکی از انتظارات مهم حضرت عسکری (علیه السلام) در دوران غیبت امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) این است که شیعیان عزیز و با عزّت باشند و هرگز خود را ذلیل نکنند، در یکجا فرمودند: «ما أَقْبَحُ بِالْمُؤْمِنِ أَنْ تَكُونَ لَهُ رَغْبَةٌ تَذِلُّهُ؛ (22) چه زشت است برای مؤمن (و شیعه) دل بستن به چیزی که وی را خوار میسازد».

و در جای دیگر دلسوزانه نصیحت نمود که:

«لا تمار فيذهب بهاؤك و لا تمازح فيحقّر عليك؛ جدال و کشمکش مکن زیرا ارزش و شخصیت تو را از بین میبرد (و موجب خواری انسان میشود) و شوخی (بیش از حد) مکن تا مردم به تو جرأت جسارت پیدا نکنند.» (23) و گاه راهکارهای رسیدن به عزّت و دوری از ذلّت را به شیعیان ارائه میدهد و قاطعانه میفرماید: «ما ترك الحقّ عزيزاً الاّ ذلّ و لا اخذ به ذليلٌ الاّ عزّ؛ هیچ عزیزی حق را رها نکرد مگر آنکه خوار و ذلیل شد، و هیچ ذلیل و خواری به حق عمل نکرد مگر آن که عزیز گردید» (24)

8. افتخار ما باشید نه باعث سرشکستگی ما

یکی دیگر از مهمترین انتظارات امامان مخصوصاً امام حسن عسکری (علیه السلام) از شیعیان این است که از نظر رفتاری و اخلاقی به گونه‌ای رفتار کنند که در بین جامعه بشری عموماً و در بین مسلمانان خصوصاً الگو و

نمونه باشند تا آنجا که مردم بگویند این‌ها شیعیان علی(علیه السلام) و امامان معصوم هستند، و این‌ها تربیت یافتگان مکتب اهل بیت میباشند.

به همین جهت حضرت عسکری عاجزانه درخواست میفرماید:

«اتَّقُوا اللَّهَ وَ كُونُوا زَيْنًا وَلَا تَكُونُوا شَيْنًا، جَرُّوا إِلَيْنَا كُلَّ مَوَدَّةٍ، وَ ادْفَعُوا عَنَّا كُلَّ قَبِيحٍ، فَإِنَّهُ مَا قِيلَ فِينَا مِنْ حَسَنٍ فَتَحْنُ أَهْلَهُ وَ مَا قِيلَ فِينَا مِنْ سُوءٍ فَمَا نَحْنُ كَذَلِكَ... (25)

از خدا پروا نمایید و زینت ما (مایه سرافرازی) باشید نه مایه ملامت (سرافکندگی)، همه دوستیها را به سوی ما جذب کنید و هر زشتی را از ما دور نمایید؛ زیرا هر خوبی که در حق ما گفته آید ما شایستگی آن را داریم و هر بدی که درباره ما بر زبان برآید ما چنان نیستیم... (چرا که) خداوند ما را پاک شمرده و هیچ کس غیر از ما نمیتواند ادعای چنین مقامی را نماید مگر این که دروغ پرداز باشد.»

9. از ریاست طلبی پرهیز کنید

از صفاتی که سخت گمراه کننده و خطرناک است مقام خواهیها و ریاست طلبیها است، بر کسی پوشیده نیست که ریاست طلبی ها چه ضربات شکننده‌ای بر پیکر اسلام وارد نموده و همین ریاست طلبی بود که خلافت را از مسیر اصلی خویش خارج نموده و پیش آمد آنچه که پیش آمد، و این فریاد فاطمه (سلام الله علیها) است از دست ریاست طلبی گروهی که خلافت را غصب نمودند، آنجا که فرمودند:

«اَمَّا (افسوس) کسی را مقدم داشتند که خداوند او را کنار زده بود و کسی را کنار زدند که خداوند او را مقدم داشت، تا آنجا که ره آورد بعثت را انکار کردند و به بدعت ها روی آوردند، آن‌ها هوا پرستی و شهوت (و ریاست طلبی) را برگزیدند و بر اساس رأی و نظر شخصی عمل کردند هلاک و نابودی بر آنان باد، آیا نشنیدند کلام خدا را که فرمودند:

«پروردگار تو آنچه را که میخواهد خلق میکند و هرچه را بخواهد اختیار میکند و برای آنان اختیاری نیست... (26)». افسوس (که سران سقیفه) آرزوها (و ریاست طلبی های) خود را در دنیا تحقق بخشیدند و از آینده غافل ماندند، خدا نابودشان گرداند و آنان را در کارهایشان گمراه کند... (27)»

و امروز در جامعه خود نیز شاهد ریاست طلبیها و مقام خواهیها هستیم. خدا میداند که چه بودجه های کلانی در راه رسیدن به ریاست خرج شده و میشود. و از چه وسیله هایی که برای رسیدن به مقام استفاده شده است و میشود. عده‌ای برای رسیدن به مقام از آزادیهای خلاف قانون و نامشروع نیز پشتیبانی کردند، و عده‌ای نیز برای رسیدن به ریاست از تخریب دیگران بهره‌جسته و یا اسلام و ارزشهای اسلامی را سپر ریاست طلبی های خویش قرار دادند و...

شرح این هجران و این خون جگر	این زمان بگذار تا وقت دگر
-----------------------------	---------------------------

امام حسن عسکری(علیه السلام) با توجّه به این خطرها است که دردمندانه میفرماید:

«إِيَّاكَ وَ الْأَذَاعَةَ وَ طَلَبَ الرِّيَاسَةِ فَإِنَّهُمَا يَدْعُوَانِ إِلَى الْهَلَكَةِ؛ از افشای اسرار (ما اهل بیت) (علیهم السلام) و ریاست

خواهی دوری کن که این دو مایه هلاک و نابودی است.» (28)

10. استواری بر دین و ولایت در دوران غیبت

آخرین انتظاری که در این سطور بدان اشاره میشود، انتظار حضرت عسکری (علیه السلام) از شیعیان خویش است در دوران غیبت کبرای امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، چرا که یکی از دورانهای بسیار سخت و طاقت فرسا که صبر و استواری فراوانی میطلبد همین دوره است، انتظار آن حضرت این است که مردم و شیعیان دوران غیبت را تحمل کنند و از خود بردباری و استقامت بخرج دهند، و بر دین الهی و امامت و ولایت ثابت و استوار بمانند، و دائماً برای ظهور مهدی موعود (عجل الله تعالی فرجه الشریف) دعا نمایند، چرا که «وَاللّٰهُ لَيَغَيِّبَنَّ غَيْبَةً لَا يَنْجُو فِيهَا مِنَ الْهَلَكَةِ إِلَّا مَنْ تَبَتَّهَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِإِمَامَتِهِ وَوَفَّقَهُ لِلدَّعَاءِ بِتَعْجِيلِ فَرْجِهِ؛ به خدا سوگند (حضرت مهدی) غیبت طولانی خواهد داشت که نجات پیدا نکند در آن دوران مگر کسانی که خداوند عزیز و جلیل بر قائل بودن (و اعتقاد) به امامت او استوارش نگهدارد، و توفیق دهد که برای فرج آن حضرت دعا نماید (29)»

سخن را با اشعاری به یاد آن سفر کرده به پایان میبریم:

گل در اندیشه که چون عشوه کند در کارش

فکر بلبل همه این است که گل شد یارش	
ای که از کوچه معشوقه ما میگذری	با خبر باش که سر میشکند دیوارش
اگر از وسوسه نفس و هوا دور شوی	به یقین ره ببری در حرم اسرارش
آن سفر کرده که صد قافله دل همزه اوست	هرکجا هست خدایا به سلامت دارش

پاورقی ها :

1. مسعودی و علی بن عیسی اربلی تولد حضرت را در سال 231 ق دانسته‌اند.

2. اصول کافی، ج 1، ص. 503.

3. شیخ عباس قمی، الانوار البهیة، ص. 151.

4. محمدی ری شهری، میزان الحکمه، ج 5، ص. 231.

5. بحارالانوار، ج 95، ص 348 و مصباح المتعجد، ص 787، روضة الواعظین، ج 1، ص. 195.

6. بحارالانوار، ج 22، ص. 431.

7. سوره نحل، آیه 44؛ سوره آل عمران، آیه 191 و سوره نحل، آیه 69.

8. آمار استخراج شده بر اساس اطلاعات کتاب «المعجم المفهرس» محمد فؤاد عبدالباقی (دارالحديث القاهرة) میباشد.

9. محمد باقر مجلسی، بحارالانوار، ج 8، ص 115 و الحکم الزاهرة، ج 1، ص. 19.

10. علی بن شعبه حرّانی، تحف العقول، ص 513 و 514.
11. سوره طه، آیه 126.
12. بحارالانوار، ج 71، ص 322، وسائل الشیعه، ج 11، ص 153 ؛ اصول کافی، ج 2 ص 55 و تحف العقول، ص 518، حدیث 13.
13. تحف العقول، ص 518، حدیث 14.
14. همان، ص 487.
15. حر عاملی، وسائل الشیعه، ج 16، ص 98.
16. همان.
17. همان، ج 8، ص 389، حدیث 2 و تحف العقول، ص 518، حدیث 12 و میزان الحکمه، ج 10، ص 491.
18. تحف العقول، ص 519، حدیث 20 و در چاپ انتشارات آل علی (علیه السلام) ص 892، روایت 20.
19. همان، ص 519 ح 18، و انوار البهیة، شیخ عباس قمی، ص 318.
20. تحف العقول (همان) ص 518، ح 14 و در چاپ انتشارات آل علی (ع)، ص 892 روایت 14.
21. میران الحکمه، ج 5، ص 1957.
22. تحف العقول، ص 520.
23. بحارالانوار، ج 75، ص 371، میزان الحکمه، ج 9، ص 135.
24. تحف العقول، ص 520 و در چاپ انتشارات آل علی (ع)، ص 894، روایت 35.
25. همان، ص 518 و در چاپ آل علی (ع)، ص 890، روایت 12.
26. سوره قصص، آیه 68.
27. محمد باقر مجلسی، بحارالانوار (بیروت، داراحیاء التراث)، ج 36، ص 353 و ر - ک احقاق الحق ج 21، ص 26.
28. تحف العقول (انتشارات آل علی (ع)) ص 888، روایت 4.
29. شیخ صدوق، کمال الدین، ج 2، ص 384.